

شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی

نگار محمدی^۱، کیومرث عزیزملایی^۲، محسن نظرزاده زارع^{۳*}

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.
 ۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران.
 ۳. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران رایانامه: Nazarzadezare@malayeru.ac.ir
- این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۴

چکیده:

هدف اصلی این پژوهش شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو است. برای نیل به این هدف، از تحلیل محتوای عرفی استفاده شده. بر این اساس با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع حداکثر تغییرات تعداد ۳۶ (۲۰ دانشجو و ۱۶ هیئت علمی) به‌عنوان مشارکت‌کننده در پژوهش انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. برای تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوای استقرایی و در راستای بررسی اعتبار یافته‌ها از سه راهبرد بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان، به‌هم‌تندگی و بازتاب‌پذیری استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو شامل: مرزهای عاطفی (پرهیز از روابط عاطفی و احساسی و حفظ رفتار محترمانه)، مرزهای ارتباطی (شفافیت در ارتباط و حفظ حریم خصوصی) و مرزهای قدرت (شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار و پرهیز از تمایز و تبعیض) هستند. در مجموع بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که در بستر دانشگاهی، ارتباطات و تعاملات مؤثر بین استاد و دانشجو به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در پیشرفت دانشجو و بهبود فرایند یاددهی-یادگیری تلقی می‌شود. از این رو، نظارت دقیق بر ارتباطات و تشویق به ایجاد روابط درست بین استاد و دانشجو در چهارچوب مرزهای حرفه‌ای معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: استاد؛ دانشجو؛ روابط استاد و دانشجو؛ مرزهای اخلاقی؛ مرزهای حرفه‌ای.

استناد به این مقاله:

محمدی، نگار؛ عزیزملایی، کیومرث؛ نظرزاده زارع، محسن. (۱۴۰۳). شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی. /اندیشه‌های نوین تربیتی،

doi: 10.22051/JONTOE.2023.42958.3745 ۲۰(۲): ۱۶۳-۱۷۴

مقدمه

ارتباط بین استاد و دانشجو یکی از ویژگی‌های مهم در محیط‌های دانشگاهی به شمار می‌رود؛ چراکه روابط مثبت و سازنده بین استاد و دانشجو، نه تنها می‌تواند پیامدهای مهم و مثبتی را برای استادان، دانشجویان و مدیران دانشگاهی به همراه داشته باشد، بلکه می‌تواند با ایجاد یک محیط یادگیری مثبت، به پویایی فرایند آموزش و پژوهش در دانشگاه‌ها نیز کمک کند. از این رو، درک بهتر روابط بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی نیازمند شناخت دقیق‌تر این روابط و عوامل مؤثر بر آن است (تورمی، ۲۰۲۱، ص. ۹۹۴). عوامل متعددی می‌تواند باعث کاهش کیفیت رابطه و تعامل بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی شود که از جمله آنها می‌توان به کمبود ارتباط مثبت بین استاد و دانشجو، انتقاد بیش‌ازحد از دانشجویان، حمایت نکردن استاد از دانشجویان، بی‌احترامی استاد به دیدگاه‌ها و ایده‌های دانشجویان و موارد مشابه دیگر اشاره کرد. با این همه، راهکارهایی مانند شنیدن احساسات و نظرات دانشجویان، ایجاد یک محیط امن در یادگیری، ارائه بازخوردهای مثبت و سازنده به دانشجویان می‌تواند به ایجاد یک رابطه مثبت و قوی بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی کمک کند (کروستین و همکاران، ۲۰۲۲، ص. ۲). تعامل و ارتباط مناسب در بسترهای آکادمیک نیازمند رعایت مرزهای اخلاقی و حرفه‌ای است (طولابی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۲)؛ از این رو، مشخص کردن مرزهای حرفه‌ای و اخلاقی در بستر آکادمیک به استادان در غلبه بر سردرگمی، تعارض نقش و استرس در ارتباط با دانشجو کمک می‌کند (برنشتاین-یاماشیرو و نوام، ۲۰۱۳، ص. ۱۶). به سخن دیگر، مرزهای حرفه‌ای به ایفای بهتر نقش استادان در روابط و تعاملات حرفه‌ای کمک می‌کنند. این نکته از این جهت مهم است که همیشه یک عدم تعادلی بین قدرت استاد و دانشجو وجود دارد؛ لذا مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی بین استاد و دانشجو شکل گرفته‌اند. بر این اساس، داشتن مرزهای حرفه‌ای در روابط نه تنها باعث مراقبت از دانشجویان و استادان می‌شود، بلکه باعث شکل‌گیری هویت، قدرت، هنجارها، خط‌مشی‌ها در بین استادان نیز می‌شود. برای نمونه، یک استاد در کنار وظیفه تدریس، نقش مشاوره تحصیلی یا راهنمایی تحقیقاتی به دانشجو را نیز بر عهده دارد؛ اما گاهی ممکن است بین این نقش‌ها تنش ایجاد شود. از این رو، مرزهای اخلاقی و حرفه‌ای نه تنها می‌تواند در ایجاد تعادل بین نقش‌های متعدد، به استادان کمک کند، بلکه به آنها نیز یادآوری می‌کند تا از آسیب به دانشجو اجتناب کرده و مطمئن باشند که با او منصفانه رفتار می‌کنند (تورنتون، ۲۰۱۳، ص. ۶). با اذعان به آنچه گفته شد، مقصود از مرزهای حرفه‌ای در بستر دانشگاهی چیست؟

مرزهای حرفه‌ای^۱ پارامترهایی هستند که محدودیت‌های یک ارتباط و تعامل را توصیف می‌کنند که در آن یک فرد، رفاه و امنیت خود را به یک فرد متخصص و صاحب جایگاه قدرت می‌سپارد. این فرد متخصص و صاحب جایگاه، در نظام آموزشی و دانشگاهی معلم یا استاد است (کالج نازاره، ۲۰۲۳، ص. ۲). به سخن دیگر، مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو در بستر دانشگاهی به محدوده تعاملات حرفه‌ای بین استاد و دانشجو اشاره دارد. این مرزها شامل محدوده و محتوای ارتباطات، رفتارها، شیوه‌های آموزش و پژوهش، احترام به حریم خصوصی و حقوق دانشجویان و سایر موارد حرفه‌ای در رابطه بین استاد و دانشجو است. از این رو، استادان باید در روابط و تعاملات خود با دانشجویان حرفه‌ای عمل کنند و رفتارها و ارتباطات آنها باید با رعایت مرزهای حرفه‌ای صورت گیرد؛ چراکه رابطه استاد و دانشجو یک رابطه برابر نیست. استاد در یک موقعیت و جایگاهی از اقتدار، نفوذ و اعتماد در مقایسه با دانشجوی خود قرار دارد؛ بنابراین همیشه نوعی عدم تعادل در قدرت ذاتی بین استاد و دانشجو وجود دارد. از این رو زمانی که یک استاد از قدرت خود سوء استفاده کند، به گونه‌ای که امنیت یا رفاه دانشجو خود را به مخاطره اندازد، مرزهای حرفه‌ای را نقض کرده است (تی. آر. بی. دبلیو. آ، ۲۰۱۹، ص. ۶). نکته بسیار مهمی که در خصوص مرزهای حرفه‌ای باید در نظر گرفت این است که مرز بین حرفه‌ای بودن و سوء رفتار در روابط بین استاد و دانشجو نمی‌تواند مطلق باشد؛ لذا درک و فهم مرز حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو در بسترهای مختلف برای استادان و دانشجویان ممکن است متفاوت باشد (دابسکی، ۲۰۱۵، ص. ۲۵). مرزهای حرفه‌ای دارای ابعادی هستند که در طی روابط و تعاملات



میان استادان با دانشجویان ممکن است نقض شوند. این ابعاد شامل لمس، موقعیت مکانی، هدایا، هزینه‌های مالی و حریم شخصی هستند (بارنت، ۲۰۰۸، ص. ۴). از این رو نقض مرزهای حرفه‌ای، می‌تواند مسائل اخلاقی، روابط عاشقانه و ملاقات خصوصی بین استاد و دانشجو در کافی‌شاپ‌ها یا دفاتر کاری را شامل شود (شواریز، ۲۰۱۱، ص. ۳۶۳). برای نمونه، وقتی استادان نقش مشاور، دوست و معتمد دانشجویان را ایفا می‌کنند، ممکن است که یک ارتباط متقابل بین آنها شکل بگیرد که این تعامل و ارتباط اگر مرز و چهارچوب مشخصی نداشته باشد، می‌تواند منجر به شکل‌گیری و تقویت روابط نامناسب اخلاقی بین آنها شود (پلات، ۲۰۱۲، ص. ۱۱). بر این اساس، شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو به دنبال اجتناب از پدیده‌ای است که برخی آن را «شیب لغزنده» می‌دانند که در آن عبور از مرزها، منجر به نقض مرز می‌شود (شواریز، ۲۰۱۱، ص. ۳۶۳)؛ چراکه افراد زمانی که برای اولین بار عمل غیراخلاقی انجام می‌دهند، برای دفعات بعد در رفتار خود استوار می‌شوند و این باعث بروز رفتارهای غیراخلاقی بزرگ و بزرگ‌تر در آنها می‌شود (ایمر و گرکز، ۱۳۹۶، ص. ۱۲۳)؛ لذا در رفتارهای غیراخلاقی قدم اول اگرچه کوچک و کم‌اهمیت باشد، اما می‌تواند باعث بروز زنجیره‌ای از اتفاقات و پیامدهای ناگوار در آینده شود.

با توجه به آنچه گفته شد، شفاف نبودن مرزهای حرفه‌ای بین استاد و دانشجو، نه تنها باعث ایجاد ابهام در روابط بین استاد و دانشجو خواهد شد، بلکه می‌تواند منتج به حرکت استاد و دانشجو در خارج از چهارچوب مرزهای حرفه‌ای و اخلاقی گردد. پژوهش‌های پیشین در سطح داخل و خارج از کشور نیز از دو جنبه یعنی اهمیت ارتباط بین استاد و دانشجو و مشکلات ناشی از ارتباط بین استاد و دانشجو به این موضوع پرداخته‌اند. مرتضوی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که صمیمیت و همدلی با دانشجو و به‌روز بودن استاد بیشترین تأثیر را در ارتباط بین استاد و دانشجو دارد (ص. ۴۱). رستمی نسب و همکاران (۱۳۹۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که بین تعاملات استاد و دانشجو با رشد مهارت‌های شناختی دانشجویان رابطه مثبت و معناداری هست (ص. ۱). به همین ترتیب سلامی و صمدی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که عوامل حرفه‌ای استاد، احترام استاد به دانشجویان، صمیمیت و همدلی استاد با دانشجویان و رعایت عدالت استاد در برخورد با دانشجویان از جمله مهمترین عوامل مؤثر در ارتباط بین استاد و دانشجو است (ص. ۱۳۰). افزون بر این کهنوجی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که برقراری ارتباط عاطفی بین استاد و دانشجو بسیار مهم و تأثیرگذار است (ص. ۱۵۹). همچنین عبدالله‌پور، سلطانی و اسمی (۱۳۹۶) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که افزایش و بهبود کیفیت تعامل میان دانشجویان با استادان، به رشد علمی، اجتماعی و حرفه‌ای دانشجویان کمک می‌کند (ص. ۱۵۲). در سطح خارج از کشور نیز، هاگنور و ولت (۲۰۱۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که تعامل استاد و دانشجو به‌عنوان یک سازه مهم، علاوه بر اینکه باعث پیشرفت تحصیلی و موفقیت دانشجویان می‌شود، بلکه رضایت از تحصیل را نیز برای آنها به همراه دارد (ص. ۳۷۰). پلات و باکر (۲۰۱۱) نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روابط صمیمانه‌ای که بین استادان و دانشجویان رخ می‌دهد اغلب منجر به ایجاد پیامدهای منفی می‌شود (ص. ۸۲۸). افزون بر این شواریز (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آگاهی استادان از موقعیت، تعیین حدود مرز توسط استادان و آگاهی دانشجویان از موقعیت، به‌عنوان مرزهای بین فردی استاد و دانشجو هستند (ص. ۳۶۳). در نهایت آلتمان، ویلیامز-جانسون و شوتز (۲۰۰۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مرزهای ارتباطی بین استاد و دانشجو شامل مرزهای قدرت، مرزهای ارتباطات، مرزهای عاطفی، مرزهای فرهنگی، مرزهای شخصی، مرزهای روابط، مرزهای سازمانی، مرزهای مالی، مرزهای زمانی، مرزهای درسی و مرزهای تخصصی هستند (ص. ۶۳۶).

با توجه به اینکه ادبیات موجود کمتر در مورد چهارچوب مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو پرداخته است و بیشتر بر نقض‌هایی که در روابط بین استاد و دانشجو اتفاق می‌افتد تأکید دارد. بنابراین پژوهش حاضر، با هدف شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو انجام شد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف «کاربردی» و از لحاظ چگونگی اجرا «کیفی» بود. از آنجاکه در پژوهش حاضر پژوهشگران به دنبال شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو بودند، لذا از روش تحلیل محتوای عرفی^۱ استفاده کردند. این روش از تحلیل محتوا که هدفش توصیف یک پدیده است، زمانی مناسب است که نظریه‌ها یا ادبیات موجود در مورد پدیده مورد مطالعه محدود باشند، لذا در این روش، پژوهشگر از مقوله‌های از پیش تعیین شده اجتناب می‌کند و به جای آن از طبقه‌بندی و دسته‌بندی‌هایی که حاصل از غوطه‌ور شدن پژوهشگر در داده‌هاست استفاده می‌کند (شی‌یه و شانون، ۲۰۰۵، ص. ۱۲۷۸). مشارکت‌کنندگان در این پژوهش شامل استادان و دانشجویان دانشگاه ملایر بودند که با توجه به اینکه پژوهشگران به دنبال بررسی دیدگاه استادان و دانشجویان با مرتبه‌های علمی مختلف، مقاطع تحصیلی متفاوت و رشته‌های متنوع در راستای واکاوی پدیده مورد بررسی بودند؛ بنابراین از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند از نوع حداکثر تغییرات^۲ استفاده کردند. در روش نمونه‌گیری حداکثر تغییرات، افرادی به‌عنوان نمونه انتخاب می‌شوند که دامنه تغییرات پدیده مورد بررسی را نشان دهند؛ بنابراین این راهبرد نمونه‌گیری نه تنها پدیده را در بسترهای مختلف آشکار می‌کند، بلکه اشتراکات موجود در این بسترها را نیز نشان می‌دهد (مرتنز و ویلسون، ۲۰۱۸، ص. ۴۰۲). بر این اساس، تعداد ۳۶ نفر از دانشجویان و استادان (۲۰ دانشجو و ۱۶ هیئت‌علمی) دانشگاه ملایر انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش حاضر شامل دانشجویان مقاطع کارشناسی، ارشد و دکتری با تجربه زندگی آکادمیک به مدت حداقل یک سال تحصیلی و استادان با مرتبه‌های علمی استادیار، دانشیار و استاد تمام با تجربه حداقل دو سال تدریس در محیط آکادمیک بودند که تمایل به مشارکت در پژوهش داشتند. گفتنی است در این پژوهش، نمونه‌گیری تا آنجا ادامه یافت که پژوهشگران به اشباع در یافته‌ها یا همان تکرارپذیری در یافته‌ها دست پیدا کردند. به سخن دیگر، داده‌های به دست آمده در مصاحبه‌ها به‌طور فراوانی با داده‌های قبلی مشابهت داشتند؛ به نحوی که انتخاب افراد جدید برای انجام مصاحبه، داده‌های بیشتری به پژوهش اضافه نکرد. به همین دلیل پژوهشگران بعد از انجام مصاحبه سی‌وششم به این نتیجه رسیدند که حجم زیادی از اطلاعات به دست آمده از مصاحبه‌ها، تکراری است، به عبارت دیگر به اشباع در داده‌های مورد نظر رسیده‌اند؛ از این رو فرایند مصاحبه با مصاحبه‌شونده شماره سی‌وشش به اتمام رسید. مشخصات جمعیت شناختی مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

جدول شماره ۱. ویژگی‌های افراد شرکت‌کننده در پژوهش

شماره شرکت‌کننده (دانشجو)	مقطع تحصیلی	رشته تحصیلی	جنسیت	شماره شرکت‌کننده (هیئت‌علمی)	حوزه تخصصی	مرتبه علمی	جنسیت
۱	کارشناسی ارشد	مهندسی عمران	زن	۲۱	علوم ریاضی	استادیار	مرد
۲	دکتری	مهندسی محیط‌زیست	زن	۲۲	علوم ریاضی	استاد	مرد
۳	کارشناسی	مهندسی فضای سبز	مرد	۲۳	مهندسی کشاورزی	استادیار	زن
۴	کارشناسی	علوم کامپیوتر	مرد	۲۴	برنامه‌ریزی درسی	استادیار	مرد
۵	کارشناسی	علوم تربیتی	مرد	۲۵	مهندسی شیلات	استادیار	زن
۶	کارشناسی ارشد	فلسفه تعلیم و تربیت	زن	۲۶	مهندسی شیمی	استادیار	مرد
۷	دکتری	ریاضی محض	مرد	۲۷	روان‌شناسی عمومی	دانشیار	مرد
۸	کارشناسی ارشد	شیمی آلی	زن	۲۸	مهندسی برق	دانشیار	مرد
۹	کارشناسی ارشد	فلسفه تعلیم و تربیت	زن	۲۹	مهندسی مکانیک	استادیار	مرد
۱۰	کارشناسی	حقوق	زن	۳۰	فیزیولوژی گیاهی	استادیار	زن

1. Conventional content analysis
2. Maximum variation sampling

۱۱	کارشناسی ارشد	فلسفه و کلام اسلامی	زن	۳۱	تکنولوژی آموزشی	استادیار	زن
۱۲	کارشناسی	مهندسی کامپیوتر	مرد	۳۲	مدیریت بازاریابی	استادیار	زن
۱۳	کارشناسی	مهندسی کامپیوتر	مرد	۳۳	فلسفه و کلام اسلامی	استادیار	زن
۱۴	کارشناسی	زیست‌شناسی گیاهی	زن	۳۴	زیست‌شناسی سلولی	استادیار	زن
۱۵	کارشناسی ارشد	روان‌شناسی عمومی	زن	۳۵	مهندسی خاک‌شناسی	استادیار	زن
۱۶	کارشناسی ارشد	فلسفه تعلیم و تربیت	زن	۳۶	حقوق کیفری	استادیار	مرد
۱۷	کارشناسی ارشد	شیمی تجزیه	زن	-	-	-	-
۱۸	کارشناسی ارشد	فلسفه تعلیم و تربیت	مرد	-	-	-	-
۱۹	کارشناسی	مهندسی مواد	زن	-	-	-	-
۲۰	کارشناسی	علوم کامپیوتر	مرد	-	-	-	-

در این پژوهش از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به‌عنوان ابزار پژوهش استفاده شد و برای مصاحبه از سؤال‌های باز پاسخ استفاده شده است. با توجه به دسترسی محدود به برخی از استادان و دانشجویان، مصاحبه‌ها به دو صورت تلفنی و حضوری در مدت چهار ماه جمع‌آوری گردید. نحوه اجرای فرایند مصاحبه به این صورت بود که پژوهشگران ابتدا لیست استادان و دانشجویان مشمول ورود به پژوهش را تنظیم کردند، سپس بر اساس مبانی نظری و تجربی پژوهش اقدام به تهیه دستورالعمل مصاحبه کردند. بعد از تدوین دستورالعمل مصاحبه، پژوهشگران اقدام به تنظیم زمان مصاحبه با هریک از دانشجویان و استادان کردند. پیش از شروع هر مصاحبه نیز لیست سؤال‌های مصاحبه جهت آمادگی ذهنی دانشجویان و استادان برای آنها ارسال گردید. پس از انجام فرایند مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه‌ها بر روی کاغذ، پژوهشگران جهت تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوا با تکیه بر تکنیک استقرایی مبتنی بر الگوی گرانهایم و لاندمن (۲۰۰۴) استفاده کردند که گام‌های انجام آن این‌گونه بود:

۱. تعیین واحد تحلیل (محتوای مصاحبه‌ها به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شد)
۲. مشخص کردن واحدهای تبیینی (گزاره‌های به‌دست‌آمده از متن مصاحبه‌ها که بیانگر مسئله مورد پژوهش بودند، استخراج و به‌عنوان واحدهای تبیینی در نظر گرفته شدند)
۳. مفهوم‌سازی واحدهای تبیینی (گزاره‌های استخراج‌شده در گام قبل که بیانگر مسئله مورد پژوهش بودند در قالب کدهای باز کدگذاری شدند)، ۴. بازنگری کدها بر اساس متن (کدهای باز به‌دست‌آمده با متن اصلی مصاحبه‌ها تطابق داده شدند و کدهایی که از قرابت و مشابهت برخوردار بودند در هم ادغام شدند)
۵. مقوله‌بندی مسائل (مفاهیم بر اساس میزان قرابت، اشتراک یا افتراق با یکدیگر، به دسته‌های معناداری تحت عنوان مقوله طبقه‌بندی شدند) (ص. ۱۰۷).

در پژوهش‌های کیفی از راهبردهای مختلفی برای بررسی اعتبار یافته‌ها استفاده می‌شود که ازجمله آنها می‌توان به بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش، بازبینی توسط همکاران در پژوهش، ممیزی به بیرونی، به‌هم‌تنیدگی و بازتاب پذیری اشاره کرد (کرسول،

۲۰۰۹، ص. ۲۳۵). در پژوهش حاضر، از سه راهبرد بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش^۱، به‌هم‌تنیدگی^۲ و بازتاب‌پذیری^۳ بهره بردیم؛ بدین‌صورت که در راهبرد بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان در پژوهش، پژوهشگران در فرایند مصاحبه بعد از صحبت‌های هریک از دانشجویان یا استادان، برداشت کلی خود را از صحبت‌های آنها ارائه می‌دادند و مصاحبه‌شوندگان نیز به تأیید یا اصلاح آن می‌پرداختند. در راهبرد به‌هم‌تنیدگی به دلیل اینکه با دو گروه از افراد یعنی دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی مصاحبه انجام شده بود، از راهبرد به‌هم‌تنیدگی منابع استفاده شد و در بازتاب‌پذیری، پژوهشگران سعی کردند پیش‌فرض‌های ذهنی خود را در مورد پدیده، در اختیار خوانندگان قرار دهند تا خوانندگان نسبت به پیش‌داوری‌های پژوهشگران در یافته‌ها آگاه باشند و بر اساس آن به بررسی تفسیرهای آنها بپردازند (جدول شماره ۲).

جدول شماره ۲. بازتاب‌پذیری پژوهشگران

تصور اولیه ما از مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو این است که اغلب دانشجویان و استادان داشتن چهارچوب و مرز مشخص در روابط بین استاد و دانشجو را به‌عنوان مرزهای حرفه‌ای در روابط می‌دانند و همین مسئله باعث می‌شود که ارتباطات خارج از چهارچوب و مرزهای تعیین‌شده را نپذیرند.

در این پژوهش ملاحظات اخلاقی زیر نیز رعایت شد:

- انجام فرایند مصاحبه و ورود و خروج شرکت‌کنندگان به فرایند مصاحبه داوطلبانه بوده است.
- به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که مباحث مطرح‌شده در مصاحبه محرمانه و بدون نام است و برای ضبط مصاحبه‌ها از آنها اجازه گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از جدول شماره (۳)، از مجموع ۲۶۲ کد استخراج‌شده از مصاحبه با دانشجویان و استادان، ۹۰ کد به مرزهای عاطفی، ۸۲ کد به مرزهای ارتباطی و ۸۸ کد به مرزهای قدرت اختصاص داشت. در ادامه شرح هریک از مقوله‌های اصلی و فرعی ارائه شده است.

جدول شماره ۳. کدها، مقوله‌های اصلی و فرعی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو

پدیده اصلی	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه‌هایی از کدهای استخراج‌شده
مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو	مرزهای عاطفی	پرهیز از روابط عاطفی و احساسی	نشان ندادن توجه خاص به یک دانشجو در کلاس درس یا فضای آکادمیک؛ پرهیز از تبادل هدایای خاص و شخصی بین استاد و دانشجو
		حفظ رفتار محترمانه	پرهیز از رفتار تحقیرآمیز با دانشجو در محیط آکادمیک؛ احترام به نظرات و احساسات دانشجو
مرزهای ارتباطی	مرزهای ارتباطی	شفافیت در ارتباط	ارتباط با دانشجو در چهارچوب عرف؛ پرهیز از ملاقات‌های دو نفره بین استاد و دانشجو در خارج از محیط دانشگاه؛ پرهیز از رفتارها و حرکات صمیمی بین استاد و دانشجو
		حفظ حریم خصوصی	مشاوره ندادن به دانشجو در مورد مسائل غیر آموزشی و بسیار شخصی؛ پرهیز از ارتباط بسیار شخصی بین استاد و دانشجو در شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی

1. Member checking
2. Triangulation
3. Reflexivity

پدیده اصلی	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	نمونه‌هایی از کدهای استخراج‌شده
	مرزهای قدرت	شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار پرهیز از تمایز و تبعیض	استفاده نکردن از قدرت قانونی برای تحت فشار قرار دادن دانشجوی؛ پرهیز از روش پاداش یا تنبیه بر اساس نوع رابطه بین استاد و دانشجو پرهیز از نگاه جنسیتی در ارزیابی عملکرد دانشجو؛ پرهیز از نگاه قومیتی در ارزیابی عملکرد دانشجو

مرزهای عاطفی

از دیدگاه دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش، مرزهای عاطفی در روابط بین استاد و دانشجو از دو مقوله فرعی شامل: پرهیز از روابط عاطفی و احساسی و حفظ رفتار محترمانه تشکیل شده است که در ادامه توصیف آنها ارائه شده است.

▪ پرهیز از روابط عاطفی و احساسی

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند که نشان ندادن توجه خاص به یک دانشجو در کلاس درس یا فضای آکادمیک، پرهیز از تبادل هدایای خاص و شخصی بین استاد و دانشجو و پرهیز از رابطه عاطفی فراتر از مسائل آموزشی از جمله اصولی هستند که می‌بایست در روابط بین استاد و دانشجو در نظر گرفته شود. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۲۹ اذعان داشت:

«من سعی کردم در نگاه محب آمیز به دانشجویان همیشه حدود مرزها را رعایت کنم، یعنی اگر بخواهم لبخند بزنم به کل کلاس لبخند می‌زنم و تماس چشمی را حتماً بین همه دانشجویان تقسیم می‌کنم، نه یک دانشجوی خاص، چراکه باورم این است زبان بدن شخص خیلی قدرتمندتر از کلام می‌تواند باشد، لذا سعی کرده‌ام که در کلاس حجم عاطفی کار را تقسیم کنم.»

▪ حفظ رفتار محترمانه

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند که پرهیز از رفتار تحقیرآمیز با دانشجو در محیط آکادمیک و احترام به نظرات و احساسات دانشجو از جمله مواردی هستند که در حفظ رفتار محترمانه می‌بایست مد نظر قرار گیرند. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۲ اذعان داشت:

«یک استاد باتجربه باید سعی کند احساسات و عواطف خود را طوری کنترل کند که باعث تحقیر دانشجو و جریحه‌دار شدن احساسات دانشجو نشود.»

مرزهای ارتباطی

از دیدگاه دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش، مرزهای ارتباطی از دو مقوله فرعی شامل: شفافیت در ارتباط و حفظ حریم خصوصی تشکیل شده است که در ادامه توصیف آنها ارائه شده است.

▪ شفافیت در ارتباط

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند داشتن ارتباط با دانشجو در چهارچوب عرف، پرهیز از انجام رفتارها و حرکات صمیمی بین استاد و دانشجو و پرهیز از ملاقات‌های دو نفره در خارج از محیط دانشگاه از جمله مواردی هستند که در مرزهای ارتباطی بین استاد و دانشجو باید به صورت شفاف مشخص شود. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۵ اذعان داشت:

«رابطه خارج از دانشگاه نباید بین استاد و دانشجو وجود داشته باشد، باینکه رابطه اجتماعی خوب هست، ولی این رابطه نباید غیررسمی باشد، چون فضای غیررسمی، فضای خیلی صمیمانه‌ای است.»

▪ حفظ حریم خصوصی

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند پرهیز از مشاوره دادن به دانشجو در مورد مسائل غیر آموزشی و بسیار شخصی، نیز پرهیز از شکل‌گیری ارتباط بین استاد و دانشجو در شبکه‌ها و پیام‌رسان‌های اجتماعی پیرامون مسائل بسیار شخصی، پرهیز از ارتباط خارج

از چهارچوب اخلاقی در فضای مجازی و ارسال نکردن ایمیل یا پیامک در مورد مسائل بسیار خصوصی بین استاد و دانشجو از جمله مواردی هستند که در چهارچوب حفظ حریم خصوصی می‌بایست مد نظر قرار گیرند. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۲۳ اظهار داشت:

«اگر قرار بر مشاوره باشد، در فضایی متناسب با مشاوره ارتباط صورت گیرد، استاد نباید در ورود به مسائل شخصی دانشجویان افراط کند، بلکه تا جایی بایستی ورود کند که حریم خصوصی دانشجو حفظ شود و تا جایی مشاوره صورت گیرد که حس صمیمیتی که به‌دور از جایگاه مشاور و راهنماست صورت نگیرد.»

مرزهای قدرت

از دیدگاه دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش، مرزهای قدرت از دو مقوله فرعی شامل: شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار و پرهیز از تمایز و تبعیض تشکیل شده است که در ادامه توصیف آنها ارائه شده است.

■ شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند که پرهیز از استفاده از قدرت قانونی برای تحت فشار قرار دادن دانشجو، پرهیز از روش پاداش یا تنبیه بر اساس نوع رابطه بین استاد و دانشجو و استفاده نکردن استاد از اختیار خود در مسائل غیرعلمی از جمله مواردی هستند که در مرزهای قدرت و اختیار می‌بایست به صورت شفاف مشخص شوند. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۹ اذعان داشت: «استاد به هیچ عنوان نباید از قدرت و اختیار خود در راستای تنبیه و توبیخ یک دانشجو یا تشویق غیرمنصفانه دانشجوی دیگر استفاده کند.»

■ پرهیز از تمایز و تبعیض

مشارکت‌کنندگان در پژوهش بر این باورند که نداشتن نگاه جنسیتی و قومیتی در ارزیابی عملکرد دانشجو از جمله مواردی است که در مرزهای قدرت و اختیار می‌بایست به آن توجه کرد. برای نمونه، شرکت‌کننده شماره ۲ اذعان داشت: «گاهی پیش می‌آید که استاد به خاطر نگاه جنسیتی و قومیتی به دانشجویی نمره بالا یا پایین می‌دهد و حق دیگران و یا خود دانشجو را نادیده می‌گیرد که اگر این کار توسط استاد صورت بگیرد، خلاف قانون و به‌دور از اخلاق است.»

نتیجه‌گیری و بحث

پژوهش حاضر به دنبال این بود که با اتخاذ رویکرد کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای عرفی و با تکیه بر دیدگاه‌های استادان و دانشجویان دانشگاه ملایر به شناسایی مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو بپردازد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش حاکی از آن بود که مرزهای حرفه‌ای از سه مقوله اصلی و شش مقوله فرعی شامل مرزهای عاطفی (پرهیز از روابط عاطفی و احساسی و حفظ رفتار محترمانه)، مرزهای ارتباطی (شفافیت در ارتباط و حفظ حریم خصوصی) و مرزهای قدرت (شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار و پرهیز از تمایز و تبعیض) تشکیل شده‌اند که در ادامه به بحث و تبیین پیرامون هر یک از آنها پرداخته شده است. از منظر دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش یکی از مرزهای حرفه‌ای شناسایی شده، مرزهای عاطفی بود که از دو زیرمقوله شامل پرهیز از روابط عاطفی و احساسی و حفظ رفتار محترمانه تشکیل شده است. مرزهای عاطفی به استفاده از سطوح مطلوبی از احساسات در تعامل و ارتباط استاد با دانشجو و همچنین برخورد مناسب با احساسات دانشجو در محیط آکادمیک اشاره دارد (تی. آر. بی. دبلیو. آ، ۲۰۱۹، ص. ۹). مرزهای عاطفی یکی از حساس‌ترین مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد-دانشجو هستند؛ چراکه ممکن است به دلیل مشخص نبودن چهارچوب آنها، در برخی مواقع مورد چشم‌پوشی و بی‌توجهی قرار گیرند و در نتیجه نه تنها می‌تواند آسیب‌های فراوانی برای دانشجو به همراه داشته باشد (عطاران و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۹۶)، بلکه حتی می‌تواند امنیت شغلی استاد را نیز به خطر اندازد. در این خصوص پلات و باکر (۲۰۱۱)، نیز در پژوهش خود به این نکته اشاره داشتند که وجود روابط



احساسی و صمیمانه بین استاد و دانشجو، اغلب منجر به پیامدهای منفی برای هردوی آنها می‌شود (ص. ۸۲۸). کهنوجی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود اذعان داشت، اگر تعامل و ارتباط عاطفی بر اساس اصول صحیح اخلاقی بین استاد و دانشجو شکل بگیرد، می‌تواند بسیار ثمربخش باشد (ص. ۱۵۹)؛ لذا استادان دانشگاهی، فارغ از مباحث علمی، می‌بایست در تلاش برای ایجاد روابط مطلوب عاطفی با دانشجویان در چهارچوب و مرزهای حرفه‌ای مشخص باشند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، وجود ارتباط عاطفی مانند ارتباط چشمی، احوال‌پرسی و بحث‌هایی خارج از درس ولی در چهارچوب عرف، برای ایجاد فضایی دوستانه در کلاس درس و برطرف کردن فضای خشک و کسل‌کننده کلاس لازم است.

از دیدگاه دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش یکی دیگر از مرزهای حرفه‌ای شناسایی شده، مرزهای ارتباطی بود که از دو زیر مقوله شامل شفافیت در ارتباط و حفظ حریم خصوصی تشکیل شده است. مرزهای ارتباطی به این نکته اشاره دارند که در ارتباط استاد با دانشجو، استاد باید به این درک رسیده باشد که دوست دانشجو محسوب نمی‌شود (تی. آر. بی. دبلیو. آ، ۲۰۱۹، ص. ۹). از سوی دیگر برخی از محققان (شوراتز، ۲۰۱۱، ص. ۳۶۳؛ بارنت، ۲۰۰۸، ص. ۳) معتقدند که ایجاد فاصله بیش‌ازحد در روابط و تعامل بین استاد و دانشجو منجر به افزایش قدرت استادان می‌شود؛ بنابراین داشتن تعامل و روابط مطلوب در چهارچوب مشخص اخلاقی و حرفه‌ای به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر میزان یادگیری دانشجویان محسوب می‌شود. در این خصوص ویگوتسکی (۱۹۸۶) در نظریه فرهنگی - اجتماعی معتقد است که یادگیری از طریق داشتن تعاملات اجتماعی اتفاق می‌افتد (نظرزاده زارع، ۱۴۰۰، ص. ۲۳۰). پژوهش‌های پیشین (رستمی نسب و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱؛ عبدالله پور، سلطانی و اسمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۵۲)، نیز بر ارتباط مثبت و معنادار تعاملات اجتماعی بین استاد و دانشجو در رشد علمی و اجتماعی دانشجویان تأکید داشتند، لذا به باور آسپیکاینن، بلومستر و ویرتانن (۲۰۱۸)، یکی از نکاتی که باید به هنگام استخدام استادان در دانشگاه‌ها در نظر گرفت، توانایی در تعامل با افراد و رفتار اجتماعی آنهاست (ص. ۶۳۳)؛ چراکه روابط مثبت بین مدرس و فراگیر باعث افزایش انگیزه فراگیر در یادگیری می‌شود (کوکا، ۲۰۱۶، ص. ۲). داشتن حریم خصوصی در استفاده از فضای مجازی نیز یکی دیگر از مواردی است که مشارکت‌کنندگان در پژوهش به آن اشاره داشتند. استفاده روزافزون و محبوبیت پیام‌رسان‌های اجتماعی، باعث ایجاد شیوه‌های جدیدی از ارتباط و تعامل در بسترهای آکادمیک شده است؛ اما این ارتباط و تعامل در بستر فضای مجازی چندین مسئله اساسی از قبیل خودنمایی، صمیمیت و ابراز وجود را نیز به همراه دارد. بر این اساس تعامل و ارتباط بین استاد و دانشجو در فضای مجازی باید به‌دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ چراکه استفاده از فضای مجازی به‌طور چشمگیری می‌تواند در برقراری ارتباط فراتر از مرزهای حرفه‌ای بین استاد و دانشجو تأثیرگذار باشد (فورکوش - باروخ، هرشکویتز و آنگ، ۲۰۱۵، ص. ۲۷۳). به همین دلیل با وجود گسترش روزافزون این نوع ارتباط در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه؛ اما آنچه در فرایند ارتباط مجازی باید مد نظر قرار گیرد، توجه به دو نکته مهم است؛ یکی داشتن حریم خصوصی در استفاده از شبکه‌های اجتماعی در طی تعاملات و ارتباطات آکادمیک (تورنتون، ۲۰۱۳، ص. ۷) و دیگری توجه به سواد اخلاقی در استفاده از فضای مجازی است. سواد اخلاقی که به پابندی به اصول و ارزش‌های اخلاقی گفته می‌شود، می‌تواند نقش بسیار مهمی در ارتباطات استاد و دانشجو در فضای مجازی ایفا کند؛ چراکه داشتن سواد اخلاقی باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای بر پایه اخلاقیات شکل بگیرند؛ لذا دانشجویانی که از سواد اخلاقی برخوردار هستند با استادان خود ارتباطی همراه با احترام برقرار می‌کنند و استادان نیز سعی می‌کنند نه تنها به‌عنوان الگویی برای دانشجویان به شمار روند، بلکه به‌عنوان منبعی ارزشمند برای ایجاد تحول در آنان نیز محسوب شوند (طولابی، ۱۳۹۶، ص. ۱۱۴).

از دیدگاه دانشجویان و استادان مشارکت‌کننده در پژوهش یکی دیگر از مرزهای حرفه‌ای شناسایی شده، مرزهای قدرت بود که از دو زیر مقوله شامل شفافیت در مرزهای قدرت و اختیار و پرهیز از تمایز و تبعیض تشکیل شده است. قدرت به توانایی یک فرد برای تأثیرگذاری بر اراده یا رفتار دیگران گفته می‌شود. در مقابل، اختیار به‌عنوان حقی که به یک شخص برای فرمان دادن به دیگران داده می‌شود، گفته می‌شود (علاقه‌بند، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۲). لذا مرزهای قدرت به این نکته اشاره دارد که استاد در مقام قدرت و اقتدار بر

دانشجویان، نباید از موقعیت خود سوءاستفاده کند (تی. آر. بی. دبلیو. آ، ۲۰۱۹، ص. ۹). مرزهای قدرت در روابط بین استاد و دانشجو با مشخصه‌هایی از قبیل کنترل کلاسی، ارزیابی ذهنی، رفتار ترجیحی با دانشجویان خاص بیشتر نمود پیدا می‌کند (آلمان، ویلیامز-جانسون و شوتز، ۲۰۰۹، ص. ۶۳۶). از این رو، استادان با توجه به جایگاهی که دارند، دارای قدرت مقامی نیز هستند که با استفاده از این قدرت فعالیت‌های دانشجو را ارزیابی می‌کنند، نمرات را تعیین می‌کنند و احتمالاً توصیه‌نامه می‌نویسند. این قدرت می‌تواند توسط هویت اجتماعی- فرهنگی استادان و دانشجویان نیز تقویت یا تضعیف شود (تورتون، ۲۰۱۳، ص. ۷). اختیار و قدرت یک استاد بر اساس قانون به وی تفویض می‌شود. باین همه، بعضاً مشاهده می‌شود برخی استادان از این اختیار قانونی در راستای منافع شخصی استفاده می‌کنند، لذا ناآگاهی استادان و دانشجویان نسبت به چهارچوب این قدرت و اختیار، می‌تواند عواقب منفی را در روابط بین استاد و دانشجو به همراه داشته باشد. از سوی دیگر استاد به دلیل جایگاهی که دارد از قدرت نفوذ و تأثیرگذاری بیشتری در میان دانشجویان برخوردار است. بر این اساس استفاده درست از قدرت و اختیار در تشویق و تنبیه دانشجویان می‌تواند باعث اثربخشی فرایند یاددهی-یادگیری شود، چراکه دانشجو این احساس را نخواهد داشت که استاد صرفاً بر اساس دلایل شخصی و قدرت خود اقدام به تنبیه یا تشویق یک دانشجو کرده است؛ از این رو حفظ حرمت و احترام به دانشجو و رعایت عدالت در برخورد با دانشجویان به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در یک ارتباط مطلوب بین استاد و دانشجو به‌شمار می‌رود (بهادر و همکاران، ۱۳۹۲، ص. ۱۹۵). افزون بر این، نگاه عادلانه استاد و استفاده درست وی از قدرت و اختیار در ارزیابی عملکرد دانشجویان، یکی دیگر از عوامل مؤثر در مرزهای قدرت است. گاهی مشاهده می‌شود که برخی از استادان بر اساس نگاه قومیتی یا جنسیتی به ارزیابی عملکرد دانشجویان خود می‌پردازند، نه بر اساس عملکرد واقعی آنها در کلاس درس، چنانچه مشارکت‌کنندگان در پژوهش نیز بر این نکته تأکید داشتند که برخی از استادان به دلایل قومیتی و جنسیتی افراد را ارزیابی می‌کنند، لذا چنین ارزیابی غیرمنصفانه‌ای، می‌تواند تبعات منفی از قبیل کاهش انگیزه دانشجو و افت عملکرد وی را به همراه داشته باشد. این در حالی است که یکی از اصول اخلاقی که می‌بایست استادان در روابط مبتنی بر قدرت و اختیار به آن توجه کنند، احترام به فردیت دانشجویان فارغ از تفاوت‌های جنسیتی و قومیتی آنهاست (ضرغامی و رضانی، ۱۳۸۹، ص. ۹۱).

در مجموع بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت که در روابط حرفه‌ای بین استاد و دانشجو، حفظ مرزهای عاطفی، ارتباطی و قدرت بسیار مهم است. از این رو، برقراری روابط عاطفی بین استاد و دانشجو می‌تواند حرفه‌ای بودن ارتباط بین استاد و دانشجو را زیر سؤال ببرد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه روابط استاد و دانشجو بیشتر بر پایه ارتباطات حرفه‌ای است، بهتر است که ارتباطات آموزشی و پژوهشی به صورت شفاف و روشن انجام شود و در این خصوص حفظ حریم خصوصی بین استاد و دانشجو نیز بسیار مهم است. در نهایت استاد باید از قدرت خود در چهارچوب قانونی و در راستای ارائه آموزش و راهنمایی به دانشجویان استفاده کند و می‌بایست از تمایز و تبعیض بین دانشجویان خودداری کند. به‌طور کلی، رعایت مرزهای حرفه‌ای در روابط استاد و دانشجو نه تنها به حفظ شأن و محافظت از منافع هر دو طرف کمک می‌کند، بلکه به ایجاد یک محیط حرفه‌ای، احترام‌آمیز و مؤثر برای آموزش و پژوهش در بستر دانشگاه نیز کمک می‌کند. بر این اساس پیشنهادهای زیر ارائه شده است:

- برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های دانش‌افزایی جهت آشنایی بیشتر استادان و دانشجویان نسبت به چهارچوب مرزهای عاطفی، ارتباطی و قدرت در روابط می‌تواند به رعایت بهتر این مرزها توسط استادان و دانشجویان کمک کند.
- گنجاندن ضوابط مرزهای حرفه‌ای در روابط بین استاد و دانشجو در قالب منشور اخلاقی استاد و دانشجو می‌تواند به رعایت این مرزها توسط استادان و دانشجویان کمک کند.
- مشخص کردن دقیق قدرت و اختیارات قانونی استاد در قوانین آموزشی- پژوهشی دانشگاه و ابلاغ آن به استادان و اطلاع‌رسانی آنها به دانشجویان می‌تواند به رعایت این مرزها توسط استادان و دانشجویان کمک کند.

References

- Abdullahpour, H., Soltani, A. & Asmi, K. . (2016). External interactions of professor-student based on educational behaviors and professional activities of faculty members. *Journal of Iranian Higher Education*, , 9(3), 152-133 . (Tex in Persian).
- Alagheband, A. (2022). *Theoretical foundations and principles of educational management*. Ravan Publishing .(Tex in Persian).
- Asikainen, H., Blomster, J., & Virtanen, V. (2018). From functioning communality to hostile behaviour: Students' and teachers' experiences of the teacher-student relationship in the academic community. *Journal of Further and Higher Education*, 42(5), 633-648 .<https://doi.org/10.1080/0309877X.2017.1302566>
- Attaran, M., Zainabadi, H., Toulabi, S. . (2010). Supervisor selection and student-supervisor relationship perspectives of Ph.D. students. *Journal of Curriculum Studies*, 4(16), 96-129 .(Tex in Persian).
- Aultman, L. P., Williams-Johnson, M. R., & Schutz, P. A. (2009). Boundary dilemmas in teacher-student relationships: Struggling with "the line". *Teaching and teacher education*, 25(5), 636-646 .
<https://doi.org/10.1016/j.tate.2008.10.002>
- Bahador, H., Faraji Armaki, A., Ghorbani, R, Deghani E. . (2014). Effective factors on communication between teacher and student medical students of basic sciences level view. *Education Strategies in Medical Sciences*, 6(4), 195-200 .(Tex in Persian).
- Barnett, J. E. (2008). Mentoring, boundaries, and multiple relationships: Opportunities and challenges. *Mentoring & Tutoring: Partnership in Learning*, 16(1), 3-16 .<https://doi.org/10.1080/13611260701800900>
- Bernstein-Yamashiro, B., & Noam, G. G. (2013). Teacher-student relationships: A growing field of study. *New directions for youth development*, 2013(137), 15-26 . <https://doi.org/10.1002/yd.20045>
- Coristine, S., Russo, S., Fitzmorris, R., Beninato, P., & Rivolta, G. (2022). The importance of student-teacher relationships. In *Classroom Practice in 2022*. . Retrieved June 2023 from <https://ecampusontario.pressbooks.pub/educ5202/chapter/the-importance-of-student-teacher-relationships/>
- Creswell, J. W. (2009). *Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches*. SAGE Publications. <https://books.google.com/books?id=bttwENORfhgC>
- Dubsky, R. C. (2015). *Professional boundaries in teacher-pupil relationships: does the model of professional conduct in regulatory standards and codes of conduct impose teacher-pupil relationships that are pedagogically and personally limiting?* Manchester Metropolitan University
- Eimer, F., & Garkaz, M. (2018). Slippery slope or compensatory behavior? The role of moral disengagement and narcissism in accounting ethical decision making. *Management Accounting*, 11(37), 41-58
<http://dx.doi.org/10.29252/aapc.2.4.123> (Tex in Persian).
- Forkosh-Baruch, A., Hershkovitz, A., & Ang, R .P. (2015). Teacher-student relationship and SNS-mediated communication: Perceptions of both role-players. *Interdisciplinary Journal of e-Skills and Lifelong Learning*, 11, 273-289. <https://doi.org/10.28945/2329>
- Graneheim, U. H., & Lundman, B. (2004). Qualitative content analysis in nursing research: concepts, procedures and measures to achieve trustworthiness. *Nurse education today*, 24(2), 105-112 .
<https://doi.org/10.1016/j.nedt.2003.10.001>
- Hagenauer, G., & Volet, S. E. (2014). Teacher-student relationship at university: an important yet under-researched field. *Oxford review of education*, 40(3), 370-388 .<https://doi.org/10.1080/03054985.2014.921613>
- Hsieh, H.-F., & Shannon, S. E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288 .<https://doi.org/10.1177/1049732305276687>
- Kahnoji, M. (2018). Role of emotional elements in student-professor interactions. *Bargh Farhan Quarterly*, 2(2), 159-166 .(Tex in Persian).
- Koca, F. (2016). Motivation to Learn and Teacher-Student Relationship. *Journal of international Education and Leadership*, 6(2), n2.
- Mertens, D. M., & Wilson, A. T. (2018). *Program evaluation theory and practice*. Guilford Publications.
- Mortazavi, S. S., Heidari, A., Mortazavi, Z., Seyedtabib M. (2019). Factors affecting teacher-student relationship from the perspective of students in School of Rehabilitation, Hamadan University of Medical Sciences. *JMED*, 12(34), 41-48. <http://dx.doi.org/10.29252/edcj.12.34.41> (Tex in Persian)
- Nazareth College. (2023). In. 2022-2023 Student Code of Conduct: Professional boundaries policy.
- Nazarzadeh Zare, M. (2022). Teamwork in the academic system: Identifying its challenges in the students' academic activities. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 15(1), 229-250. <https://doi.org/10.52547/MPES.15.1.229> (Tex in Persian).
- Plaut, S. M. (2012). Can My Student Be My Friend? Faculty-Student Boundary Issues in Advising and Teaching.
- Plaut, S. M., & Baker, D. (2011). Teacher-student relationships in medical education: Boundary considerations. *Medical teacher*, 33(10), 828-833.

- Rostami-Nasab, H., Soltani, A. Fazilatpour, M. . (2020). Faculty-student Interaction and its relationship with development of students' cognitive skills. *Studies in Learning & Instruction*, 11(2), 1-20 <https://doi.org/10.22099/jsli.2020.31474.2699> .(Tex in Persian).
- Salami, F. & Samadi, P. (2018). Effective factors of the centered quality relationship between teacher and student. *The Journal of New Thoughts on Education*, 14(1), 121-133 <https://doi.org/10.22051/jontoe.2018.3131> (Tex in Persian).
- Schwartz, H. L. (2011). From the classroom to the coffee shop: Graduate students and professors effectively navigate interpersonal boundaries. *International Journal of Teaching and Learning in Higher Education*, 23(3), 363-372.
- Teacher-student professional boundaries*. (2019). Perth Retrieved from <https://www.trb.wa.gov.au/Professional-Conduct/Teacher-Student-Professional-Boundaries>
- Thornton, P. (2013). Thriving in academe: Reflections on helping students learn. *NEA Higher Education Advocate*, 30(3), 6-9.
- Tormey, R. (2021). Rethinking student-teacher relationships in higher education: a multidimensional approach. *Higher Education*, 82(5), 993-1011 <https://doi.org/10.1007/s10734-021-00711-w>
- Toulabi, Z. (2017). The relationship between moral literacy, teacher/student interaction and psychological empowerment of students. *The Journal of Ethics in Science and Technology*, 12(1), 112-120 .(Tex in Persian). Doi: 20.1001.1.22517634.1396.12.1.13.8
- Vygotsky, L. (1934). 1986, Thought and Language, translation newly revised and edited by A. Kozulin. In: MIT Press, Cambridge, MA.
- Zarghami, S., Ramezani, A. . (2010). Ethical Fundamentals and Principles of Teacher-Student Relations on the Basis of a Comparative Analysis and Critical Study of Viewpoints of Existence Philosophers. *Quarterly of Culture Strategy*, 3(8-9), 91-114 .(Tex in Persian).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).